



- ۱ کاربرد تقارن در مطالعه فرهنگ و باستان‌شناسی
نسیم فیضی و حامد وحدتی‌نسب
- ۱۳ نمود عناصر یونانی در نگارندهای صخره‌ای ساسانی
سید مهدی موسوی کوهپیر، سرور خراشادی، جواد نیستانی و سید رسول موسوی حاجی
- ۲۹ حوزه گردی، کلکسیون باستان‌شناسی سیستان
رضا مهر آفرین و سید رسول موسوی حاجی
- ۳۹ مطالعه تطبیقی و تطوری نقوش هندسی در مواد باستانی و آثار هنری مازندران
رحمت عباس‌نژاد سرستی و معینه‌السادات حجازی
- ۵۱ بررسی میزان تخلخل سفال‌های دوره مس‌سنگی به منظور سنجش میزان پیچیدگی‌های اجتماعی بر مبنای تولید سفال در تپه قشلاق بیجار
عباس مترجم و احمد حیدری
- ۶۱ محوطه‌های نویافته ساسانی بخش میان‌کوه شهرستان اردل چهارمحال و بختیاری
علیرضا خسروزاده، مجید ساریخانی و زهره نیکویی
- ۷۵ بررسی و تحلیل ویژگی‌های بصری و سبک تصویری نقوش سفال‌های فرهنگ کورا-ارس (بر اساس محوطه یانیک تپه)
حمیدرضا قربانی و لیلا زنگنه
- ۸۷ پژوهشی بر وضعیت محدوده جنوبی تخت‌گاه تخت‌جمشید بر اساس شواهد نویافته باستان‌شناختی
احمدعلی اسدی

بسم الله الرحمن الرحيم

نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام

دو فصلنامه

جلد ۱ / شماره ۱ / پیاپی ۱ / بهار و تابستان ۱۳۹۵

شاپا: ۶۰۴۶-۲۴۷۶

شاپا الکترونیکی: ۶۰۵۴-۲۴۷۶

صاحب امتیاز: دانشگاه شهرکرد
مدیر مسئول: مجید ساریخانی
سر دبیر: مجید ساریخانی

هیأت تحریریه:

محمد مهدی توسلی	دانشیار گروه باستان‌شناسی - دانشگاه سیستان و بلوچستان
محمود حیدریان	استادیار گروه باستان‌شناسی - دانشگاه شهرکرد
علیرضا خسروزاده	استادیار گروه باستان‌شناسی - دانشگاه شهرکرد
محمد ابراهیم زارعی	دانشیار گروه باستان‌شناسی - دانشگاه بوعلی سینا
مجید ساریخانی	استادیار گروه باستان‌شناسی - دانشگاه شهرکرد
حسن فاضلی نشلی	دانشیار گروه باستان‌شناسی - دانشگاه تهران
رضا مهرآفرین	دانشیار گروه باستان‌شناسی - دانشگاه مازندران
سید رسول موسوی حاجی	دانشیار گروه باستان‌شناسی - دانشگاه مازندران
سید مهدی موسوی کوهپور	دانشیار گروه باستان‌شناسی - دانشگاه تربیت مدرس
کاظم ملازاده	دانشیار گروه باستان‌شناسی - دانشگاه بوعلی سینا
جواد نیستانی	دانشیار گروه باستان‌شناسی - دانشگاه تربیت مدرس

ویراستار علمی: علیرضا خسروزاده
ویراستار انگلیسی: محمود هاشمیان
صفحه آرایی: فاطمه قانی
شمارگان: ۵۰۰ نسخه

مدیر داخلی: محمود حیدریان
ویراستار فارسی: سعید کیانیپور
کارشناس: سعید کیانیپور
ناشر: دانشگاه شهرکرد

این نشریه با مجوز تاریخ ۱۳۹۳/۰۱/۱۹ به شماره ثبت ۹۳/۶۶۷ هیأت نظارت بر مطبوعات و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می‌شود.

آدرس دفتر مجله: شهرکرد، دانشگاه شهرکرد، اداره انتشارات و مجلات علمی دانشگاه شهرکرد، نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام

کد پستی: ۸۸۱۸۶-۳۴۱۴۱ صندوق پستی: ۱۱۵ تلفن: ۰۳۸-۳۲۳۲۴۴۰۱-۷ داخلی ۲۲۵۸ شماره: ۰۳۸-۳۲۳۲۱۶۶۹

وبگاه: journals.sku.ac.ir پست الکترونیکی: iaej@journals.sku.ac.ir

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	• کاربرد تقارن در مطالعه فرهنگ و باستان‌شناسی نسیم فیضی و حامد وحدتی‌نسب
۱۳	• نمود عناصر یونانی در نگارندهای صخره‌ای ساسانی سید مهدی موسوی کوهپیر، سرور خراشادی، جواد نیستانی و سید رسول موسوی حاجی
۲۹	• حوزه گردی، کلکسیون باستان‌شناسی سیستان رضا مهرآفرین و سیدرسول موسوی حاجی
۳۹	• مطالعه تطبیقی و تطوری نقوش هندسی در مواد باستانی و آثار هنری مازندران رحمت عباس‌نژاد سرستی و معینه‌السادات حجازی
۵۱	• بررسی میزان تخلخل سفال‌های دوره مس‌سنگی به منظور سنجش میزان پیچیدگی‌های اجتماعی بر مبنای تولید سفال در تپه قشلاق بیجار عباس مترجم و احمد حیدری
۶۱	• محوطه‌های نویافته ساسانی بخش میان‌کوه شهرستان اردل چهارمحال و بختیاری علیرضا خسروزاده، مجید ساریخانی و زهره نیکویی
۷۵	• بررسی و تحلیل ویژگی‌های بصری و سبک تصویری نقوش سفال‌های فرهنگ کورا- ارس (بر اساس محوطه یانیک تپه) حمیدرضا قربانی و لیلا زنگنه
۸۷	• پژوهشی بر وضعیت محدوده جنوبی تخت‌گاه تخت‌جمشید بر اساس شواهد نویافته باستان‌شناختی احمدعلی اسدی

راهنمای تهیه مقاله

نشریه "جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام"، در تمامی موضوعات مبانی نظری باستان‌شناسی، باستان‌زمین‌شناسی و مطالعات مربوط به دوران پارینه‌سنگی، باستان‌شناسی دوره‌های نوسنگی، مس-سنگ، مفرغ و آهن و فرآیند گذار به آن‌ها، دستاوردهای کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی مرتبط با دوره‌های پیش از تاریخ و دوران تاریخی، تاریخ‌گذاری جدید و بقایای سال‌یابی شده از محوطه‌های پیش از تاریخی و دوران تاریخی، مطالعات باستان‌سنجی و فناوری اطلاعات در حوزه مطالعات باستان‌شناسی پیش از تاریخ و دوران تاریخی، متون تاریخی و مطالعات باستان‌شناسی دوران تاریخی (ایلام، ماد، هخامنشی، پارت و ساسانی)، علوم میان‌رشته‌ای و جایگاه آن‌ها در باستان‌شناسی، باستان‌شناسی و ژنتیک، قوم باستان‌شناسی و باستان‌شناسی و علوم پایه (شیمی، فیزیک، ریاضیات و آمار و ...) مقالات پژوهشی را که قبلاً در نشریات علمی به چاپ نرسیده، و یا برای درج در آن‌ها ارسال نشده باشد، برای بررسی و داوری پذیرفته و در صورت تأیید، به‌ترتیب اولویت وصول چاپ می‌کند. پژوهش‌هایی که در چارچوب گزارش‌های پژوهشی یا در سمینارها و کنفرانس‌های علمی ارائه گردیده نیز در این نشریه قابل بررسی و چاپ است.

رعایت دستورالعمل زیر در نگارش مقاله‌هایی که برای چاپ به نشریه ارسال می‌شوند، ضروری است:

- فایل Word مقاله، براساس فرمت مجله تنظیم و از طریق سامانه نشریه به نشانی www.sku.ac.ir/iaej ارسال شود.
- مسئولیت مقاله و ترتیب نام نویسندگان بر عهده شخصی است که مقاله را برای نشریه ارسال می‌کند و کلیه مکاتبات با وی انجام خواهد شد. در صورتی که مقاله حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری باشد، درج اسامی کلیه نویسندگان (دانشجو، استادان راهنما و مشاور) الزامی است.
- مقاله نباید به شکل کامل به چاپ رسیده باشد یا هم‌زمان برای چاپ به نشریات دیگر ارسال شده باشد.
- پذیرش مقاله برای چاپ پس از داوری منوط به تأیید جلسه هیأت تحریریه مجله است. در این راستا، مقاله وصولی بعد از دریافت، بررسی اولیه می‌شود و در صورت رعایت نکردن شیوه‌نامه نگارش، به نویسنده یا نویسندگان عودت خواهد شد. مجله در ویرایش مقالات آزاد است.

ترتیب و شرح قسمت‌های مختلف مقاله:

مقالات ارسالی شامل برگ مشخصات مقاله، عنوان، چکیده فارسی، واژه‌های کلیدی، مقدمه، مواد و روش‌ها، پیشینه و مبانی نظری (موقعیت جغرافیایی و باستان‌شناسی منطقه یا محوطه مورد مطالعه)، نتایج، بحث و نتیجه‌گیری، سپاس‌گزاری (اختیاری)؛ منابع مورد استفاده؛ عنوان، چکیده و واژه‌های کلیدی به زبان انگلیسی می‌باشد.

مشخصات مقاله: در صفحه‌ای جداگانه، در فایل نویسندگان عنوان مقاله در بالا، نام کامل کلیه مؤلفان در سطر دوم و آدرس آن‌ها شامل مرتبه علمی (کارشناس، مربی، استادیار، دانشیار یا استاد)، ارگان مربوطه، شهر محل اقامت، آدرس پست الکترونیک (E-mail) و شماره تماس مستقیم آن‌ها، به صورت فارسی و در صفحه دوم همانند صفحه اول انگلیسی درج گردد.

عنوان: عنوان مقاله حداکثر در 20 کلمه و منعکس‌کننده محتوای مقاله می‌باشد. در زیر عنوان نیازی به ذکر نام نویسندگان نمی‌باشد.

چکیده فارسی: چکیده مقاله در 250 تا حداکثر 350 کلمه، بیانگر مسئله، هدف، روش و نتایج به دست آمده و نتیجه‌گیری کلی از پژوهش است.

مقدمه: این بخش بیان کننده سوابق علمی مطالعه، ضرورت انجام و اهداف تحقیق یا مشاهده است. به همین منظور در مقدمه باید زمینه‌های قبلی پژوهش به طور مختصر بیان شود و ارتباط آن با موضوع مقاله مشخص باشد و در پایان به‌انگیزه کار انجام شده اشاره شود.

مواد و روش‌ها: این بخش باید شامل جامعه مورد بررسی، نحوه نمونه‌گیری و شرح مواد، روش‌ها و وسایل مورد استفاده به طور کامل باشد و در صورت لزوم روش‌های مشخص و تعریف شده با ذکر نام ارجاع شده باشد. روش آماری و نام نرم‌افزار مورد استفاده نیز بیان شود.

پیشینه و مبانی نظری (موقعیت جغرافیایی و باستان‌شناسی منطقه یا محوطه مورد مطالعه)

نتایج: داده‌ها و نتایج با ترتیب منطقی در متن، جداول و نمودارها، تصاویر و اشکال ارائه شود و فقط از یکی از موارد یاد شده برای ارائه اطلاعات بهره‌گیری شود و اطلاعات موجود در متن مجدداً تکرار نگردد. در صورت بهره‌گیری از حروف مخفف در تصاویر یا جداول حتماً کلمات کامل آن در متن آورده شود. در صورت اشاره به مقادیر اندازه‌گیری شده، تمامی این مقادیر باید بر اساس سیستم استاندارد بین‌المللی یا ضریب‌های ده‌گان آن‌ها باشد و واحدها به صورت حروف خلاصه شده آن‌ها و به صورت *Italic* آورده شود. از مقالات مندرج در این نشریه می‌توان به عنوان راهنمای تهیه جدول‌ها و یا ترسیم شکل‌ها استفاده کرد.

بحث: در این بخش یافته‌های مهم نویسنده یا نویسندگان آورده شود. تأکید می‌شود جنبه‌های مهم و تازه تحقیق و نتیجه‌گیری حاصل از آن نقل شود. داده‌ها یا دیگر مطالب ذکر شده در مقدمه یا نتایج تکرار نشود. علل تفاوت یا تشابه یافته‌ها با سایر منابع و تحقیقات بیان گردد. در پایان بحث در صورت لزوم فرضیه‌های جدید بیان، توجیه و پیشنهادهای ارائه شود.

نتیجه‌گیری: در این بخش به صورت خلاصه، در چند خط نتیجه‌گیری کلی از پژوهش و ذکر کاربرد (یا کاربردهای) احتمالی آن ارائه می‌گردد.

سپاس‌گزاری: در صورت نیاز، این بخش حداکثر در 50 کلمه، معرف اشخاص، سازمان‌ها و نهادهای و به طور کلی اشخاص حقیقی و حقوقی مؤثر در انجام پژوهش و تشکر و قدردانی از آنان باشد.

منابع: منابع اشاره شده در متن مقاله باید قبلاً به صورت کتاب یا مقاله مندرج در یکی از مجلات علمی درآمده باشد و برای نویسنده قابل دسترسی باشد. نحوه ارجاع در متن باید با «نام نویسنده، سال و شماره صفحه» (وحدتی‌نسب و همکاران، 1389: 21؛ ساریخانی، 1386: 54 و خسروزاده، 1391: 51) باشد. فهرست منابع مورد استفاده در انتهای مقاله باید صرفاً از منابع اشاره شده در متن باشد با شماره و به ترتیب حروف الفبای نام نویسنده، برابر مثال‌های زیر یا روش به کار رفته در هر یک از شماره‌های این نشریه تهیه شده باشد، ابتدا منابع فارسی و به دنبال آن منابع خارجی آورده می‌شود.

1. علیزاده، عباس، 1380، تئوری و عمل در باستان‌شناسی (جلد اول)، پژوهشکده سازمان میراث فرهنگی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

2. استرنبرگ، رابرت، 1387، روان‌شناسی شناختی (ویراست چهارم)، ترجمه سیدکمال‌الدین خرازی و الهه حجازی، انتشارات سمت، تهران.

3. موسوی کوهپیر، سید مهدی، محمود حیدریان، حامد وحدتی‌نسب، حمید خطیب‌شهیدی و جواد نیستانی، 1390، تحلیل نقش عوامل طبیعی در توزیع فضایی محوطه‌های باستانی استان مازندران، مجله علمی-پژوهشی پژوهش‌های جغرافیای طبیعی دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، شماره 75 بهار 1390.

4. Hamlin, Carol, 1975, Dalma Tepe, Iran, British Institute of Persian Studies, Vol. 13: 111-127.

چکیده به زبان انگلیسی: چکیده انگلیسی مقاله در 500 تا حداکثر 600 کلمه باید به ترتیب شامل هدف، روش‌ها، نتایج به دست آمده، بحث و نتیجه‌گیری از پژوهش باشد.

واژه‌های کلیدی به زبان انگلیسی: این واژه‌ها برگردان کامل «واژه‌های کلیدی» به زبان انگلیسی هستند.

تعداد صفحات: حداکثر تعداد صفحات با رعایت فرمت مجله (شامل چکیده انگلیسی) باید 20 صفحه باشد.

لازم به ذکر است در صورت نیاز معادل لاتین برخی واژه‌ها و توضیحات اضافی را به صورت پی‌نویس در انتهای مقاله بیاورید.

محوطه‌های نویافته ساسانی بخش میان‌کوه شهرستان اردل چهارمحال و بختیاری

علیرضا خسروزاده^{۱*}، مجید ساریخانی^۲ و زهره نیکویی^۳

چکیده

استان چهارمحال و بختیاری از گذشته تاکنون پل ارتباطی مهمی میان دو منطقه فرهنگی جنوب و جنوب‌غرب ایران، فارس و خوزستان بوده است. برخلاف دیگر بخش‌های کوهستانی فلات ایران، این ناحیه از نظر باستان‌شناختی خیلی کم شناخته شده است. بخش میان‌کوه شهرستان اردل به دلیل داشتن ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی خاص در دوره‌های مختلف مورد توجه جوامع انسانی بوده است، در حقیقت موقعیت استراتژیک، دره‌های حاصلخیز، وجود منابع غنی آب‌های سطحی و زیرزمینی شامل رودها و چشمه‌ها، شرایط زیست‌محیطی مناسبی را برای تشکیل استقرارها در این منطقه از گذشته تا به امروز فراهم کرده است. وجود دره‌های میان‌کوهی حاصلخیز که به خوبی مشروب می‌شوند نیز مؤید این مطلب است. با وجود اینکه بخش‌هایی از آن به شکل فشرده در سال‌های اخیر بررسی، و صدها محوطه ثبت شده‌اند؛ لیکن آگاهی ما از استقرارهای کوچ‌نشینی و یک‌جانشینی دوره ساسانی میان‌کوه بسیار اندک است. بنابر اهمیت دوره ساسانی در این منطقه، شناخت الگوی استقرار، و تأثیری که محیط بر چگونگی ایجاد و پراکنش محوطه‌های این دوران داشته، مورد توجه قرار گرفته است. در دوره ساسانی تغییر محسوس در تعداد محوطه‌ها نسبت به دوره اشکانی دیده نمی‌شود؛ لیکن محوطه‌ها از نظر ابعاد بزرگ‌تر از محوطه‌های قبل هستند. الگوی مکان‌گزینی نیز، تقریباً مشابه به دوره اشکانی است با این تفاوت که تراکم استقرارها در بخش جنوبی دره بیشتر است. بیشتر استقرارهای مربوط به این دوره فاقد استقرار دوره اشکانی هستند. حدود ۷۳ محوطه از این دوره شناسایی شد. با بررسی عواملی مانند ارتفاع، درصد و جهت شیب، رودخانه، مسیرهای ارتباطی، کاربری اراضی، ساختار زمین‌شناسی و گسل‌های منطقه، در مجموع دو نوع الگوی استقرار شناسایی شده است. استقرار دایم در این محوطه‌ها کمتر دیده می‌شود و با توجه به کوه‌های بلند و دره‌های عمیق در این شهرستان، محوطه‌ها بیشتر موقت هستند. تنها مواد فرهنگی به دست آمده از این محوطه‌ها سفال است که با مطالعه آن‌ها اطلاعاتی در مورد استقرارهای مختلف فرهنگی و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی حاصل می‌شود. با توجه به اینکه شهرستان اردل هم‌مرز با استان خوزستان است و آگاهی ما از دوره‌ی ساسانی بخش‌های مرتفع شرق زاگرس بسیار اندک است، مطالعه محوطه‌های ساسانی این دوره و مواد فرهنگی به دست آمده از سطح آن‌ها ضروری است.

واژه‌های کلیدی: ساسانی، سفال، عوامل محیطی، کوچ‌نشینی، میان‌کوه.

ارجاع: خسروزاده ع. ساریخانی م. و نیکویی ز. ۱۳۹۴. محوطه‌های نویافته ساسانی بخش میان‌کوه شهرستان اردل چهارمحال و بختیاری. نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام. ۱(۱): ۶۱-۷۳.

۱- استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد.

۲- استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد.

۳- فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه شهرکرد.

*نویسنده مسئول: Akhosrowzadeh@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۱۵

مقدمه

استان چهارمحال و بختیاری در بخش مرکزی کوه‌های زاگرس، جنوب غرب ایران قرار گرفته است. برخلاف دیگر بخش‌های کوهستانی فلات ایران، این ناحیه از نظر باستان‌شناختی کمتر شناخته شده است. اطلاعات اولیه و اصلی در خصوص با این ناحیه، از کارهای زاگارل در سال ۱۹۷۹ میلادی، قبل از انقلاب اسلامی دانسته می‌شود (زاگارل، ۱۳۸۷) که تنها اطلاعات مربوط به دوره پیش از تاریخ را ارائه داده است. تنها بررسی‌های انجام شده در شهرستان اردل مربوط به یک فصل بررسی باستان‌شناختی بخش مرکزی اردل است که اسماعیلی جلودار در سال ۱۳۸۸ آن را به انجام رساند (اسماعیلی جلودار، ۱۳۸۸). همچنین در محدوده سد کارون ۴، نیز کاوش‌های نجات‌بخشی حوزه آبخیز این سد توسط علی‌اصغر نوروزی در سال ۱۳۸۸ انجام شد (نوروزی، ۱۳۸۸). در بخش میان‌کوه تا پیش از سال ۱۳۸۶ محوطه‌های اندکی مربوط به دوره ساسانی شناسایی شده بود؛ اما طی بررسی‌هایی که در این منطقه طی سه فصل انجام گرفت شمار زیادی محوطه (۶۰۰ محوطه) مربوط به دوره‌های مختلف از جمله دوره ساسانی شناسایی و ثبت شد (خسروزاده، ۱۳۸۸؛ ۱۳۸۹؛ ۱۳۹۰). شیوه بررسی در میان‌کوه متناسب با وضعیت توپوگرافی منطقه تعیین شد. محدوده بررسی شده در میان‌کوه عبارت از چند دره بزرگ و دره‌های کوچک جانبی و منتهی به این دره‌ها بود (شکل ۱). در بررسی منطقه سعی شد همه چشم‌انداز مورد نظر، به صورت پیمایشی (فشرده) بررسی شود. ویژگی اصلی ریخت‌شناسی این منطقه وجود دره‌های کوچک و بزرگ است. بیشتر این دره‌ها کوچک، کم‌عرض و طویل هستند و تنها چند دره بیش از ۵ کیلومتر طول دارند. هر یک از این دره‌ها به صورت پیمایشی بررسی شدند. تنها بخش‌هایی از دره‌ها که زیر کشت محصولات کشاورزی، به ویژه برنج رفته بود پیمایش نشد که برای بررسی این قسمت بیشتر از اطلاعات کشاورزان و مردم محلی استفاده شد. برای شماره‌گذاری محوطه‌ها در بررسی میان‌کوه از ترکیب سه حرف MKS (Miyan Kuh Survey) و یک عدد که مختص هر محوطه است استفاده شد (خسروزاده و بهرامی‌نیا، ۱۳۹۱: ۶۵).

مهم‌ترین پرسش‌ها و فرضیاتی که درباره محوطه‌های ساسانی بخش میان‌کوه مطرح‌اند عبارتند از:

۱. نقش عوامل جغرافیایی و ویژگی‌های زیست محیطی در شکل‌گیری و تراکم استقرارها چگونه است؟
عوامل جغرافیایی و زیست محیطی اصلی‌ترین عامل در شکل‌گیری و پراکنش محوطه‌هاست و با توجه به این که این منطقه دره‌های میان‌کوهی کم‌عرض دارد و تنها زمین‌های قابل کشت در این دره‌ها قرار دارند، استقرارها در این دره‌ها به هم نزدیک هستند.

۲. استقرارهای دوره ساسانی شهرستان اردل تا چه ارتفاعی دیده می‌شود و نشان‌دهنده چه نوع استقراری است؟

با توجه به کوه‌های بلند و دره‌های عمیق در این شهرستان، محوطه‌های این دوره تا ارتفاع ۲۵۰۰ متر و حتی بالاتر دیده می‌شود؛ استقرار دایم در این محل کمتر دیده می‌شود و احتمالاً بیشتر محوطه‌ها استقرار موقت هستند.



شکل ۱- موقعیت شهرستان اردل روی نقشه استان چهارمحال و بختیاری

محدوده بررسی و ملاحظات زیست محیطی

میان‌کوه در بخش میانی کوه‌های زاگرس واقع شده و رشته‌کوه‌های نسبتاً مرتفع با چندین قله بالای ۳۰۰۰ متر ارتفاع بخش‌های قابل‌توجهی از چشم‌انداز طبیعی این منطقه را تشکیل می‌دهند. این چشم‌انداز عبارت از چند دره نسبتاً عریض و بزرگ و چندین دره کوچک منتهی به این دره‌هاست. این بخش از زاگرس نیز همانند دیگر بخش‌ها، روند عمومی شمال‌غرب- جنوب‌شرق دارند و متشکل از دره‌های موازی هستند. از نظر زمین

۱. دره گندمکار که در شمال دره سرخون قرار گرفته است.

۲. دره تایک در جنوب‌شرق گندمکار و در میان کوه‌های هلو سعد قرار گرفته است.

۳. دره سرخون واقع در جنوب دره گندمکار.

۴. دره هلو سعد واقع در جنوب شرق دره سرخون.

۵. دره شیاسی و رفن در جنوب شرق و جنوب دره هلو سعد.

۶. دره‌های منتهی به دره‌های هلو سعد و سرخون همچون دره شیرکشته، دره لاله‌انبوه، دره بیدسوخته و دره شترخوس.

این دره‌های میان‌کوهی حاصل‌خیز که غالباً به خوبی مشروب می‌شوند برای معیشتی مرکب از کشاورزی گسترده و کوچ‌نشینی مبتنی بر گله‌داری بسیار مناسب هستند. برخی از این دره‌ها هم اکنون نیز به طور کامل زیر کشت هستند. توانمندی کشاورزی دره‌های مختلف با یکدیگر متفاوت است. در چند دره شرایط عالی برای کشاورزی وجود دارد. چند دره به طور کامل زیر کشتند و مقدار زیادی گندم و جو در آن‌ها تولید می‌شود. با وجود این ترکیبی از کشاورزی و گله‌داری در این منطقه متداول‌تر است، که این امر به دلیل توان محدود کشاورزی برخی از دره‌هاست. از سوی دیگر شمار کمی از این دره‌ها تنها برای گله‌داری مناسب است؛ در این نواحی زمین برای کشاورزی بیش از حد سنگلاخ و جنگلی است. بنابراین ما با منطقه‌ای روبرو هستیم که با واقع شدن در بین کوه‌هایی با منابع سرشار کشاورزی و دامداری می‌تواند جمعیت بزرگ را در خود جای دهد. از سوی دیگر این دره‌ها با دیگر دره‌ها و دشت‌های همجوار راه دارند، بنابراین امکان ارتباطات درون منطقه‌ای نیز میسر است.

به این ترتیب بخش میان‌کوه برای اقتصادی مرکب از کشاورزی دیم و آبی و دامنه کوه‌ها و دره‌ها برای گله‌داری شرایط مناسبی دارد و بیشتر دشت را صرفاً کشاورزان و دره‌های منتهی به دشت و دامنه کوه‌ها را گله‌داران مورد استفاده قرار می‌دهند. تعداد زیادی از محوطه‌های قرار گرفته در محدوده روستاها در سال‌های اخیر کاملاً تسطیح و نابود شده‌اند. این محوطه‌ها یا به مناطق مسکونی تبدیل شده یا در طی ساخت و سازهای جدید همچون ایجاد مراکز آموزشی یا شهرک‌های جدید، کاملاً ویران شده‌اند؛ از جمله می‌توان به روستاهای چلدان، سرمازه و سرخون

ریخت‌شناسی این منطقه ترکیبی است از کوه‌های بلند و دره‌های عمیق که امکان کاربری‌های متنوعی از زمین را فراهم کرده است. این منطقه توسط رودخانه سرخون و کارون و شاخه‌های پر آبی که در کوهستان به آن می‌پیوندند مشروب می‌شود.

رودها و چشمه‌های متعددی در این منطقه جاری است. از مهم‌ترین رودهای جاری در میان‌کوه رود سرخون است که از حاشیه روستای سرخون علیا در ابتدای دره سرخون سرچشمه می‌گیرد و در جهت شمال‌غرب به جنوب‌شرق به سمت شهرستان لردگان جاری می‌شود. رود سرخون در مسیر خود از کنار روستاهای سرخون علیا و سفلی، روستاهای بخش هلو سعد، رفن، شیاسی و قائدان عبور می‌کند. این رود به نام آب سرخون معروف و پس از مشروب کردن مزارع این بخش در جهت جنوب‌شرقی به سمت دشت لردگان جاری است. از دیگر جریان‌های مهم آب در بخش میان‌کوه، رودخانه بازفت است که از کوه‌های زردکوه در کوه‌رنگ سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از بخش بازفت در جهت جنوب‌غرب به سمت بخش میان‌کوه جاری می‌شود و در انتهای جنوبی بخش میان‌کوه به دیگر سرشاخه‌های کارون می‌پیوندد. بجز از این رودخانه‌ها، چشمه‌های متعددی نیز در دره‌های کوچک و بزرگ این بخش جاری هستند که امروزه بیشتر آب این چشمه‌ها برای آبیاری مزارع و باغات استفاده می‌شود.

بخش میان‌کوه با وجود محدودیت وسعت، از تنوع نسبتاً زیاد گونه‌های گیاهی بهره‌مند است، ضمن اینکه کوتاه بودن فصل سرما و شمار اندک تعداد روزهای یخبندان در کنار مرغوبیت زمین ساخت و گاهی نیز خاک، موجب پوشش انبوه گیاهی در برخی نقاط این بخش شده، بر این اساس گونه جنگلی نسبتاً فراوانی در محدوده بخش وجود دارد و عمدتاً شامل بلوط، بنه، کلخونگ، و دیگر درختان جنگلی زاگرسی است. در بخش‌های مرتفع‌تر و سردتر نیز پوشش انبوه گون و گیاهان سردسیری دیده می‌شود. کوه‌های بلندی که از چهارسو بخش میان‌کوه را دربر گرفته‌اند، دره‌های کوچک و بزرگ متعددی دارند که بیشتر آثار شناسایی شده طی بررسی در این دره‌ها قرار داشتند.

مهم‌ترین دره‌هایی که بیشترین محوطه‌ها را در خود جای داده‌اند عبارتند از:

از دره‌هایی که بیشترین محوطه‌های ساسانی را در خود جای داده‌اند می‌توان به دره‌های هلوسعد، سرخون، سیاسی، گندمکار و دره شلیل اشاره کرد. در این دره‌ها معمولاً یک یا چند چشمه آب دائمی جاری است. این دره‌ها با خاک حاصلخیز در میان کوه‌های مرتفع قرار گرفته و معمولاً شیب ملایمی به سمت رودهای جاری در منطقه دارند، و به همین دلیل خاک حاصلخیزی دارند و امروزه نیز بیشتر باغات منطقه با توجه به وجود چشمه‌های متعدد و آب فراوان در این دره‌ها قرار دارند. در امتداد رودخانه سرخون از روستای سرخون علیا تا روستای رفن شمار زیادی استقرارگاه دیده می‌شود. تمرکز محوطه‌های ساسانی شناسایی شده میان کوه بیشتر در دره سرخون- هلوسعد است. این دره یکی از عریض‌ترین دره‌های بخش میان کوه است و رودخانه سرخون در آن جاری است. به جز محدوده چند روستای کوچک، تمام زمین‌های این دره زیر کشت برنج است. در بیشتر دره‌های کوچک مجاور نیز که جویبار وجود دارد نیز برنج کشت می‌شود. در مناطق شمال شرقی این دره؛ یعنی در دره گندمکار گندم نیز کشت می‌شود. ضمن اینکه در سال‌های اخیر با تسطیح تپه‌ماهورهای اطراف این دره که پوشیده از درختان بلوط بوده، گندم به شکل دیم کشت می‌شود. تعداد محوطه‌های شناسایی شده ساسانی در دره سرخون- هلوسعد در مقایسه با دیگر دره‌های میان کوه بیشتر است. ۲۱ محوطه، از محوطه‌های شناسایی شده ساسانی میان کوه در این دره واقع شده است؛ همچنین اکثر محوطه‌های یکجانشینی ساسانی در میان کوه در دره هلوسعد قرار گرفته‌اند. این استقرارها بیشتر بر پشته‌ای کم ارتفاع قرار دارند. بر سطح این پشته‌ها شمار فراوانی قلوه و لاشه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ دیده می‌شود که احتمالاً در ساخت و سازهای محوطه به کار می‌رفته‌اند. محوطه‌هایی که در نزدیک‌ترین فاصله از رودخانه سرخون و در دره اصلی آن یا دره‌های منتهی به سرخون قرار گرفته‌اند به واسطه شیب کمتر از ۱۰ درصد، قرار گرفتن در اراضی با قابلیت کشاورزی، میانگین ارتفاع ۱۵۰۰ متر، اقلیم نیمه‌مرطوب گرم، نزدیکی به منابع دائمی آب، دسترسی آسان به مسیرهای ارتباطی، غنی بودن خاک‌های آبرفتی، پوشش جنگلی و مراتع غنی بخش‌های پیرامونی آن، ظرفیت لازم را برای برپایی سکونت‌گاهی دائمی دارند. این محوطه‌ها به راه‌های مالرو، جاده‌ها و گذرگاه‌هایی با

قیصری و ملک‌شیر اشاره کرد که خانه‌های روستایی بر سطح محوطه‌های باستانی ساخته شده و موجب تخریب بخش عمده‌ای از این محوطه‌ها شده‌اند.

محوطه‌های ساسانی میان کوه

بر اساس مطالعه‌ی سفال‌های به دست آمده از محوطه‌های شناسایی شده میان کوه، شمار ۷۳ محوطه منسوب به دوره ساسانی است. به طور کلی محوطه‌های ساسانی شناسایی شده میان کوه به دو شکل دیده می‌شوند:

۱. استقرار موقت: بیشتر محوطه‌های ساسانی میان کوه استقرار موقت (احتمالاً کوچ‌نشین) دارند. وسعت این محوطه‌ها اغلب اندک است و بر سطح آن‌ها سفال به صورت پراکنده دیده می‌شود. این محوطه‌ها یا بر بستر صخره‌ای دامنه کوه‌ها و تپه‌ها قرار دارند و یا نهشته باستانی ضخیم ندارند و تنها مواد فرهنگی به شکل پراکنده و بسیار کم بر سطح آنها دیده می‌شود. این مواد (که بیشتر سفال است) بسیار فرسوده، خورده شده و رسوب گرفته‌اند. سفال‌ها اغلب مربوط به دوره‌های گوناگون و یا تک دوره‌ای است که در منطقه وسیعی پراکنده شده و احتمالاً نشان می‌دهد که این محوطه‌ها سال‌ها در اشغال مردم کوچ‌نشین بوده است. این محوطه‌ها ارتفاع مشخصی ندارند و شناسایی آن‌ها تنها با بازدید محل مورد نظر از نزدیک، امکان‌پذیر است.

۲. محوطه‌های یکجانشینی یا استقرار دائمی: محوطه‌های یکجانشین در میان دره‌های کوچک میان کوهی شکل گرفته‌اند. این محوطه‌ها به واسطه قرارگرفتن در نزدیکی منابع دائمی آب، وجود زمین‌های قابل کشت و نزدیکی به راه‌های ارتباطی شرایط مطلوب برای شکل‌گیری استقرارهای دائمی و یکجانشین فراهم کرده‌اند. با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی و زیست‌محیطی میان کوه شمار این گونه محوطه‌ها اندک است.

استقرارهای یکجانشین بیشتر در دره‌هایی با شرایط مطلوب برای ایجاد کشاورزی و استقراردایم و استقرارهای موقت نیز بیشتر در پهنه‌های کوچک میان کوهی قرار دارند.

سرکول‌سرمازه (۳ و ۴ و ۶ و ۷) در نزدیکی سنگ‌چین وارگه‌های عشایری است. برخی از این وارگه‌ها قدمتی طولانی دارند. ساختار معماری آن‌ها بیشتر مدور است. آنچه در مورد این محوطه‌ها و وارگه‌های عشایری نزدیک آن برداشت می‌شود درک و آگاهی مشترک کوچ‌نشینان پیش از تاریخ و دوران تاریخی با طیف زمانی متفاوت از مکان استقرار و گزینش بهترین مکان برای برپایی یک زندگی فصلی است. جایی که این دو گروه برای استقرار انتخاب کرده‌اند کم‌شیب‌ترین و بهترین نقطه این دره کوچک است. این محوطه‌ها در دره‌ای معروف به لیلبنو (لاله انبوه) قرار گرفته‌اند. در میان این دره بستر رود فصلی کوچکی دیده می‌شود که هم‌اکنون خشک است. پوشش سطح این محوطه نسبت به دیگر پشته‌های اطراف که پوشش جنگلی نسبتاً انبوه دارد، کمتر است و گیاهان مرتعی مناسبی برای چرای دام بر سطح خود دارند. محوطه‌های (MK 132)، و (MK 133)، نهشته‌های باستانی اندکی دارند و چون بر دامنه‌ی شیب‌دار پشته قرار گرفته بر اثر جریان آب فرسایش پیدا کرده و به نظر می‌رسد نهشته‌های باستانی به زیر رسوبات رفته است. ویژگی مشترک محوطه‌های کوچ‌نشینی دره سرخون- هلو سعد وجود قلوه‌سنگ و لاشه‌سنگ‌های پراکنده بر سطح و اطراف آن‌ها است.



شکل ۲- محوطه ملک‌شیر ۵ (MK 109)، نمای عمومی، دید از شمال (خسروزاده ۱۳۸۸)

از دیگر محوطه‌های ساسانی دره هلو سعد می‌توان به ملک‌شیر ۱ (MK 105)، ملک‌شیر ۲ (MK 106)، ملک‌شیر ۳ (MK 107)، ملک‌شیر ۴ (MK 108)، توله‌دان هلو سعد (MK 110)، سرکنه هلو سعد ۱ (MK 111)، سرکنه

طول متفاوت که از زاگرس و شبکه‌ای از راه‌های مربوط به مناطقی دور دست منتهی می‌شوند، متصل هستند. این توپوگرافی مشخص محدودیت‌های خاصی را بر رفتار انسان به ویژه در ارتباط و تعامل با اجتماعاتی که در سیستم دره‌های متفاوت زندگی می‌کنند تحمیل کرده است و ساکنان آن باید قادر باشند رفتار و شیوه‌های امرار معاش خود را در انطباق با این چشم‌انداز قابل تغییر، سازگار کنند (Petrie, 2011: 157). انباشت‌های تپه مانند معمولاً نشانه محوطه‌هایی با خانه ثابت است. بررسی‌های باستان‌شناسی دره سرخون- هلو سعد به طور نسبی نشان می‌دهد که استقرارهای ساسانی یک‌جانشینی باید در دره نسبتاً باز دره سرخون- هلو سعد قرار داشته باشند. محوطه‌های شناسایی شده در طول این دره به شکل تپه‌های منظمی است که هم‌اکنون از بستر رودخانه چندین متر ارتفاع دارند. از مهم‌ترین محوطه‌های یک‌جانشینی دره سرخون- هلو سعد که شرایط مطلوب زندگی یک‌جانشینی را دارد، ملک شیر ۵ است. این محوطه بر سطح پشته‌ای نسبتاً مرتفع در دره‌ای کوچک و کم‌عرض در بخش غربی دره سرخون- هلو سعد در یک چشم‌انداز تپه‌ماهوری قرار گرفته است. در مرکز این دره رودخانه فصلی کوچکی جاری است. در بخش جنوبی محوطه نیز ساخت و سازهای روستایی قرار گرفته‌اند که به نظر می‌رسد بخش‌هایی از محوطه نیز به زیر ساخت و سازهای روستایی رفته است. در بخش‌هایی که روستاییان تخریب کرده‌اند به راحتی می‌توان در دیواره‌های ایجاد شده نهشته‌های باستانی را دید. در بخش‌های تخریب شده شمار فراوانی مواد فرهنگی به ویژه سفال و ابزار سنگی دیده می‌شود. سطح محوطه پوشیده از زباله‌های روستاییان است. محوطه چون بر دامنه شیب قرار گرفته چند آب‌کنند نیز بر سطح آن وجود دارد. پراکندگی سفال بر سطح محوطه اندک است. شکل تپه مانند این محوطه و تداوم استقرار از دوره نوسنگی به مس‌سنگی و در دوران تاریخی از اشکانی تا ساسانی، مشخص می‌کند که ملک‌شیر ۵ یکی از محوطه‌های شاخص یک‌جانشینی میان‌کوه بوده است (شکل ۲).

علاوه بر محوطه‌های یک‌جانشینی، تعداد معدودی محوطه‌های با استقرار موقت (احتمالاً کوچ‌نشینی) نیز در این دره شناسایی شد. این محوطه‌ها ویژگی شاخصی دارند و آن، قرارگرفتن برخی محوطه‌ها مانند

مختلف تلنبار شده‌اند. رنگ خاک این محوطه تیره و متفاوت از خاک محیط پیرامونش است به طوری که به راحتی از فاصله دور نیز می‌توان آن را تشخیص داد. این محوطه دارای نهشته ضخیم باستانی است و پراکندگی سفال بر سطح آن زیاد است. سطح محوطه شخم خورده و به زیر کشت رفته است. بخش‌های جنوبی این محوطه تسطیح و برای کشت گندم تراس‌بندی شده است. در بخش غربی و شرقی محوطه دو آب‌کند عمیق ایجاد شده که در دیواره‌های آن‌ها به راحتی می‌توان نهشته‌های باستانی را دید، ضمن اینکه شمار زیادی سفال در این دیواره‌ها دیده می‌شود. پراکندگی سفال بر سطح محوطه زیاد و بیشترین پراکندگی بر یال جنوبی محوطه دیده می‌شود. در بخش جنوبی محوطه بستر عمیق رود کم‌آب گندم‌کار قرار دارد.

دره شیاسی یکی دیگر از دره‌های میان‌کوه است که بعد از دره سرخون-هلوسعد بیشترین محوطه‌های ساسانی در آن قرار دارند. این دره در امتداد دره سرخون-هلوسعد قرار گرفته و ویژگی‌هایی مشابه با دره پیش‌گفته دارد. تنها تفاوت این دره با دره سرخون-هلوسعد، عریض‌تر بودن آن است. ۱۱ محوطه ساسانی در این دره شناسایی شد. از محوطه‌های شاخص دره شیاسی مازه نِسَه سرقنات (MK 169) است (شکل ۴). این محوطه در یک چشم‌انداز تپه‌ماهوری بر سطح پشته‌ای کم ارتفاع قرار گرفته که دور تا دور محوطه را پشته‌های نسبتاً کم ارتفاع دیگری با پوشش جنگلی تنک دربر گرفته است. شیب پشته از سوی شمال و جنوب نسبتاً تند و از سوی غرب که به کانال انتقال آب منتهی می‌شود، ملایم است. از دیگر محوطه‌هایی که در این دره قرار دارند می‌توان به قائدان ۱ (MK 166)، قائدان ۲ (MK 165)، دره قنات ۳ (MK 175)، دره قنات ۴ (MK 176)، آب گرمک (MK 188)، آب گرمک (MK 188)، قائدان شیاسی (MK 184)، رفن ۱ (MK 196) اشاره کرد. شماری از این محوطه‌ها با توجه به موقعیت محوطه‌ها و ویژگی ریخت‌شناسی آن‌ها احتمالاً استقرار موقت هستند.

همان‌طور که اشاره شد شمار زیادی از محوطه‌های شناسایی شده میان‌کوه به شکل محوطه‌های استقرار موقت (کوچ‌نشینی) هستند. این محوطه‌ها در پهنه‌های کوچک میان‌کوهی و دره‌های کوچک و اغلب روی تپه‌ماهورها قرار دارند. این استقرارهای کوچ‌نشینی در

هلوسعد ۲ (MK 112)، تنگ شیرکشته ۱ (MK 113)، ماشک کالی سرمازه (MK 125)، سرکول سرمازه ۳ (MK 129)، سرکول سرمازه ۵ (MK 130)، سرکول سرمازه ۶ (MK 132) (شکل ۳)، سرکول سرمازه ۷ (MK 133)، آب گرازی ۱ (MK 135)، بیدسوخته ۴ (MK 144)، نِسَه سرمازه ۱ (MK 153)، نِسَه سرمازه ۲ (MK 154)، وقفی (MK 155) دره‌گوشه (MK 163) توله‌دان ۲ (MK 67)، توله‌دان ۵ (MK 70) و شترخوس (MK 85) اشاره کرد.



شکل ۳- محوطه سرکول سرمازه ۶ (MK 132)، نمای عمومی، دید از شرق (خسروزاده ۱۳۸۸)

از دیگر دره‌ها که محوطه‌های ساسانی دارد، دره میان‌کوهی گندم‌کار است. این دره در جهت شمال‌غرب به جنوب‌شرق قرار گرفته است. این دره نسبتاً ناهموار و مرکز آن اندکی از حاشیه‌ها گودتر است. کوه‌های نسبتاً مرتفعی که پوشیده از بلوط، بنه و کلخونگ هستند این دره را در بر گرفته‌اند. عریض‌ترین بخش این دره در حد فاصل روستای گندم‌کار و تنگ‌ترین قسمت آن در انتهای جنوب‌غربی دره، در محل اتصال این دره با دره سرخون-هلوسعد است. در این دره تنها ۳ محوطه ساسانی شناسایی شد. محوطه‌های شهرک ملاکله ۱ (MK 12)، گندم‌کار خلیلی ۱ (MK 16)، دم لافره (MK 428)، در این دره قرار دارند. محوطه شهرک ملاکله مهم‌ترین این محوطه‌ها است. این محوطه در ۵۰۰ متری شمال روستای گندم‌کار سفلی و ۲۰۰ متری شرق شهرک ملاکله قرار گرفته است. محوطه به شکل پشته بیضی شکل کم ارتفاعی است که از سوی شرق، شمال و غرب شیب ملایم و از سوی جنوب شیب تند دارد. بر سطح محوطه شمار فراوانی سنگ‌های لاشه کوچک و بزرگ دیده می‌شود که در بعضی قسمت‌ها از سوی کشاورزان در بخش‌های



شکل ۴- محوطه مازنه نِسَه سرفنات (MK 169)، نمای عمومی، دید از شرق (خسروزاده ۱۳۸۸)

پهنه گودالو با چشم‌اندازی تپه‌ماهوری در یک و نیم کیلومتری جنوب‌غرب روستای پولک و ۷۰۰ متری شمال دریاچه سد کارون ۴، در منطقه‌ای معروف به گودالو قرار گرفته است. این منطقه یکی از ماندگاه‌های موقتی عشایر است که چند وارگه عشایری نیز در آن دیده می‌شود. این منطقه از سوی جنوب به منطقه برد زرد، از جنوب‌شرق به دره عمیق روستاهای پولک و زینب خاتون، از غرب به جاده آسفالت شهرکرد به خوزستان و از سوی جنوب به دریاچه سد کارون ۴ محدود است. محوطه گودالو ۴ (MK 394) در این پهنه قرار گرفته است. این محوطه اساساً از نوع محوطه‌های روباز است و پراکندگی دست‌ساخته‌های سنگی و سفال در آن دیده می‌شود. این محوطه بر سطح پشته‌ای کم ارتفاع در بخش جنوبی منطقه گودالو قرار گرفته است. این پشته از چهارسو با شیب ملایمی به تپه‌ماهورهای اطراف منتهی می‌شود. بخش‌های زیادی از سطح محوطه شخم خورده و به زیر کشت گندم رفته است. بر سطح محوطه شمار فراوانی سنگ‌های قلوه و لاشه کوچک و بزرگ دیده می‌شود. پراکندگی دست‌ساخته‌های سنگی بر سطح محوطه نسبتاً کم ولی سفال زیاد است و بیشتر در بخش شمالی و غربی محوطه دیده می‌شود. بیشترین پراکندگی سفال و دست‌ساخته‌های سنگی بر سطح، محدوده‌ای به ابعاد ۸۰×۶۰ متر است اما با توجه به احتمال مدفون شدن دست‌ساخته‌ها در زیر رسوبات و لگدکوب شدن بر اثر حرکت مداوم دام‌های کوچ‌نشینان، و شخم مداوم سطح محوطه، محدوده اصلی شاید بزرگ‌تر باشد.

پهنه مهم دیگر که چشم‌انداز تپه‌ماهوری دارد به نام تلخاب است که در غرب روستاهای شلیل و عزت‌آباد و

ارتفاعی بالاتر از محوطه‌های یکجانشین و حتی تا ارتفاع ۲۶۰۰ متر دیده می‌شوند. خاک در این دره‌ها به واسطه شیب زیاد، عمق زیادی ندارند و این دره‌ها دور از رودخانه قرار دارند. در دامنه آن‌ها چشمه کم آب دایمی به چشم می‌خورد. بر تراس‌های آن پوشش مرتعی مناسبی برای چرای دام دیده می‌شود که قطعاً مورد توجه کوچ‌نشینان بوده است. با توجه به ارتفاعات زیاد میان کوه و آب و هوای سرد در نیمی از سال و قرارگرفتن آن بر سر راه‌های ارتباطی منتهی به خوزستان، خاصیت تپه‌ماهوری، دوری از رودخانه و نزدیک بودن آن به چشمه‌سارهای فراوان، مراتع غنی در کنار پراکندگی زیاد و خوردگی بیش از حد سفال و مواد فرهنگی و با توجه به عدم ضخامت نهشته‌های باستانی در این محوطه‌ها می‌توانیم محوطه‌های قرار گرفته در این دره‌ها و پهنه‌های کوچک میان‌کوهی را مربوط به کوچ‌نشینان بدانیم. اقتصاد معیشتی این مردمان بر پایه‌ی دامداری است. از مهم‌ترین عواملی که توانایی کاربرد این اقتصاد را به دامداران کوچ‌نشین می‌دهد آگاهی گسترده آن‌ها از امور جغرافیایی و زیست‌محیطی مانند تغییرات جوی، نوع خاک، منابع آب، علف و غیره است (علیزاده، ۱۳۸۴). در تابستان در برخی مناطق عشایر بختیاری در سیاه‌چادرهایی زندگی می‌کنند که دور آن با قلوه‌سنگ‌های موجود در طبیعت دورچین شده است. در بخش میان‌کوه این ویژگی به خصوص در پهنه‌های کوچک و بزرگ و دامنه کوه‌ها دیده می‌شود. در این پهنه‌ها درختان خودروی پسته وحشی، بادام، کلخونگ بلوط وجود دارد که از چوب آن‌ها برای سوخت و از میوه آن‌ها برای تهیه نان استفاده می‌شود و نیاز آن‌ها را به محصولات زراعی کم کرده است. یکی از این پهنه‌ها که چشم‌انداز تپه‌ماهوری دارد و شمار فراوانی محوطه، به خصوص محوطه‌های از نوع روباز با پراکندگی دست‌ساخته‌های سنگی در آن ثبت شده به نام دهدشت معروف است. این پهنه در جنوب روستای رفن، در منطقه معروف به دهدشت قرار گرفته است. این منطقه شامل پشته‌های بزرگ و کوچکی است که از سوی شرق به دره‌ای عمیق- که روستای رفن در بالادست آن قرار گرفته است- و از سوی غرب و جنوب نیز به چند دره تنگ و عمیق و ورودخانه کارون منتهی می‌شود. از سوی شمال نیز به دره رفن منتهی می‌شود. سطح این پشته‌ها پوشیده از درختان بلوط، کلخونگ، و بنه است.



شکل ۵- محوطه دوپیه شلیل ۱۰ (MK 309)، نمای عمومی، دید از غرب (خسروزاده ۱۳۸۹)

مقایسه تطبیقی یافته‌ها

تنها مواد فرهنگی که از سطح تمامی محوطه‌های ساسانی این ناحیه به دست آمد «سفال» است. پراکندگی سفال در محوطه‌ها با توجه به موقعیت جغرافیایی و شرایط خاص کشاورزی و دامپروری متفاوت است. به طور کلی سفال‌های ساسانی میان کوه، به رنگ‌های نخودی، نخودی قرمز و نارنجی و بژ دیده می‌شود. از شن ریز و درشت، سنگ‌ریزه و دانه‌های سفید رنگ در خمیره سفال‌ها استفاده شده است. سفال‌ها، چرخ‌ساز و تعدادی پوشش گلی غلیظ به رنگ کرم و نخودی دارند. بر سطح تعدادی از سفال‌ها نیز تزییناتی به شکل شیارهای عمیق کنده شده افقی و نوارهای افقی با شیاری روی آن و تزیینات شانهای دیده می‌شود. سفال گونه آشپزخانه‌ای با مغز سیاه رنگ و سطح قهوه‌ای قرمز نیز در بین نمونه‌ها دیده می‌شود. شاخص‌ترین اشکال سفال ساسانی محوطه‌های میان کوه عبارتند از:

- ۱- کوزه‌های بزرگ با دهانه گشاد و لبه شیاردار
- ۲- کوزه‌های با لبه برگشته به خارج
- ۳- کوزه‌های با دهانه تنگ
- ۴- کاسه‌های کوچک و بزرگ

سفال‌های گروه اول بیشتر تحت تأثیر فارس هستند که از محوطه‌های ده‌دهشت ۵ (MK 466)، اسلام‌آباد ۱ (MK 81)، و شترخوس ۱ (MK 85)، یافت شده است. کوزه‌های بزرگ تقریباً مشابه با این کوزه‌ها از قصر ابونصر فارس (Whitcomb, 1985, fig. 18: b)، حاجی‌آباد فارس (Azarnoush, 1994, fig. 174: h) مشاهده شده است. همچنین از میاناب شوشتر نیز نمونه‌ای مشابه این گروه با

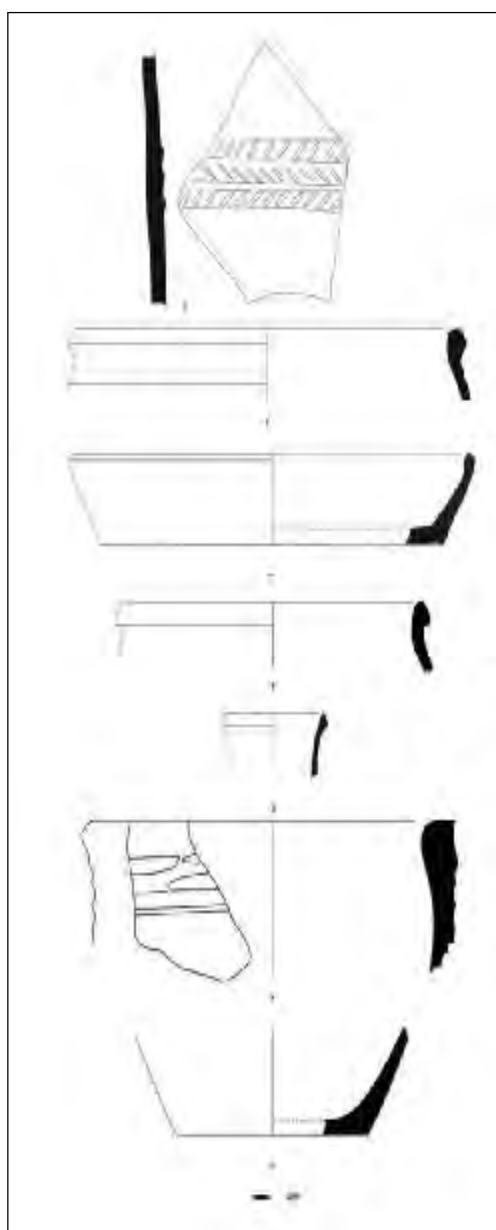
شمال جاده آسفالت شهرکرد به خوزستان قرار گرفته است. سطح تمامی این تپه ماهورها پوشیده از پوشش جنگلی بلوط است که در بعضی جاها این پوشش تنک و در بعضی جاها انبوه است. در سال‌های اخیر پس از ساخت سد کارون ۴ در این منطقه شهرک جدیدی (شهرک عرب‌ها) برای اسکان ساکنان روستاهای به زیر آب رفته، ساخته شده است. سطح بیشتر این تپه ماهورها کشاورزان این شهرک و عشایر منطقه شخم کرده و به زیر کشت گندم دیم برده‌اند. در این پهنه محوطه واقع شده است.

سه محوطه چشمه فولک ۱۰ (MK 500)، سرقله فولک ۲ (MK 504) و سرقله فولک ۳ (MK 505)، از دیگر محوطه‌های احتمالاً کوچ‌نشین هستند که در دره فولک قرار گرفته‌اند. این دره کم عرض و ماهیت تپه ماهوری دارد و از سوی شمال به جنوب از ارتفاع این تپه ماهورها کاسته شده تا به دره‌شور منتهی می‌شود. هر سه محوطه بر سطح پشته‌ای کم ارتفاع شکل گرفته‌اند. بر سطح آن‌ها شمار زیادی سنگ‌های لاشه کوچک و بزرگ و سنگ‌ریزه و برونزدهای صخره‌ای و وارگه‌های جدید عشایری دیده می‌شود.

دوپیه شلیل ۱۰ (MK 309) نیز احتمالاً از محوطه‌های کوچ‌نشینی میان کوه است (شکل ۵) که در ارتفاع ۲۵۴۴ متر در یک چشم‌انداز تپه‌ماهوری مرتفع قرار دارد. این منطقه یکی از مناطق بیلاقی کوچ‌نشینان و این از نوع محوطه‌های روباز با پراکندگی دست‌ساخته‌های سنگی و سفال است. پراکندگی دست‌ساخته‌های سنگی و به خصوص سفال بر سطح محوطه زیاد و بیشتر در بخش شرقی محوطه و در بین آبراهه‌ها دیده می‌شود. بر سطح محوطه اثر سنگ‌چین چند وارگه عشایری دیده می‌شود. در بخشی که وارگه عشایری ایجاد شده، محوطه عاری از پوشش گیاهی است. نزدیک‌ترین منبع آب به این محوطه چشمه آب دوپیه است. از محوطه‌های دیگر کوچ‌نشینی که بر سطح آن‌ها اثر سنگ‌چین وارگه عشایری دیده می‌شود می‌توان به زینب خاتون و اولقنک ۴ اشاره کرد.

میان‌کوه تفاوتی جزئی دارد (Kennet, 2004, fig. 39: k3774).

سفال‌های ساسانی بیشتر ساده، تک‌رنگ و بدون نقش هستند. تزیینات روی سفال در بیشتر نمونه‌های شناسایی شده به صورت شیارهای افقی کنده بر روی سفال دیده می‌شود. روی بعضی از سفال‌ها تزیینات کنده نیشگونی دیده می‌شود. نمونه مشابه تزیینات سفال میان‌کوه در حاجی‌آباد فارس دیده می‌شود (Azarnoush, 1994, fig. 180: x). در سرمشهد نیز نمونه مشابهی یافت شده با این تفاوت که نمونه میان‌کوه ساده‌تر و در تقابل با پس‌زمینه خلوت‌تر کار شده است (امیری، ۱۳۹۱، شکل ۱۷: ۴).



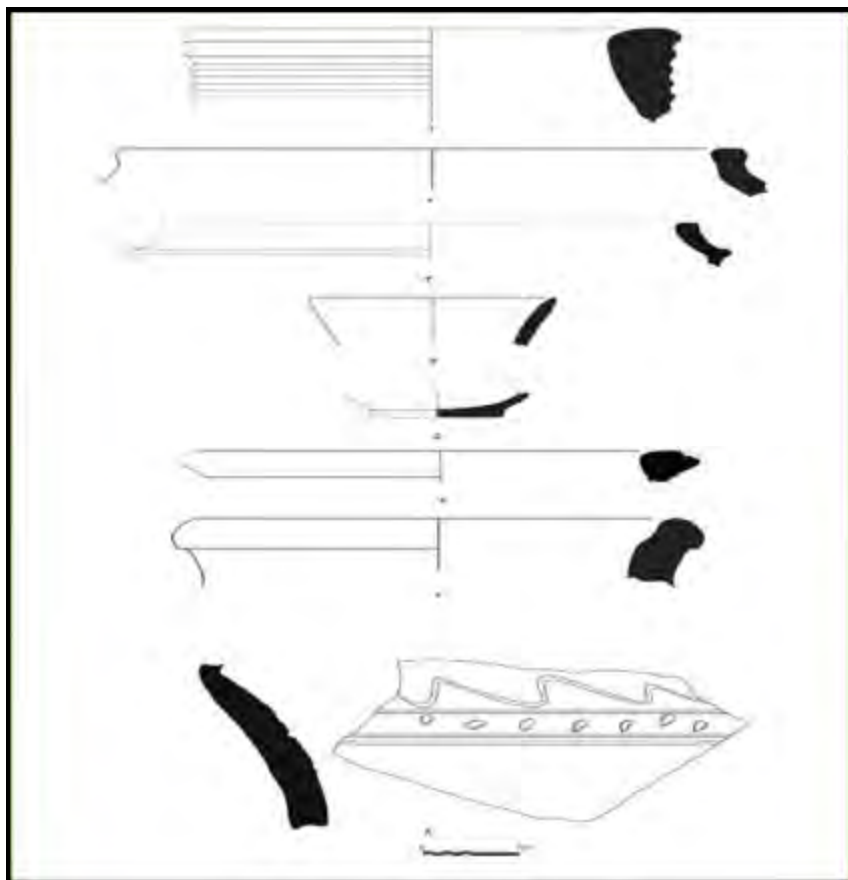
شکل ۶- منتخبی از سفال‌های ساسانی محوطه‌های میان‌کوه

تفاوت اندکی در مقطع سفال گزارش شده است (عالی و خسروزاده، ۱۳۸۴: شکل ۶۵: ۱).

از محوطه‌های دم لافره (MK 428)، وارگر سرزرد (MK 479)، سرکول سرمازه ۳ (MK 129)، کوزه‌هایی با لبه برگشته به خارج یافت شد. ظروف مشابه این گونه سفالی در شوش (Wenke, 1975, fig. 14: 104) و کوزه‌های مشابهی در میاناب شوشتر با تفاوت اندکی در مقطع (عالی و خسروزاده، ۱۳۸۴: شکل ۶۲: ۱) مشاهده می‌شود. در استان فارس نیز کوزه‌های با خصوصیات مشابه سفال میان‌کوه در قصر ابونصر فارس (Whitcomb, 1985, fig. 44: b)، حاجی‌آباد (Azarnoush, 1985, fig. 174: p) و تل ملیان (Alden, 1987, fig. 6: 1) و همچنین نمونه مشابه این کوزه‌های با لبه برگشته به خارج از سرمشهد کازرون (امیری، ۱۳۹۱، شکل ۱۲: ۴) یافت شده است.

در خارج از ایران این گونه سفالی در راس الخیمه نیز رایج بوده هر چند که رنگ خمیره آن متفاوت است (Kennet, 2004, fig. 37: k3723). سفال‌های گروه دوم تقریباً در تمامی محوطه‌هایی که سفال‌های ساسانی قابل مقایسه با میان‌کوه دارند گزارش شده است.

از دیگر اشکال سفال میان‌کوه کوزه‌هایی با دهانه تنگ و باریک است که در مقایسه با اشکال دیگر شمار آن‌ها اندک است. سفال‌های مشابه محوطه‌های (MK 106)، (شکل‌های ۶ و ۷)، و (MK169)، از تل ملیان در استان فارس (Alden 1987, fig. 5: 2) قصر ابونصر در فارس (Whitcomb, 1987, fig. F: d) و همچنین در حاجی‌آباد استان فارس (Azarnoush, 1994, fig. 175: o) یافت شده است. می‌توان گفت که بعد از کوزه‌های بزرگ، کاسه‌های بزرگ و ظروف لگن مانند بیشترین تعداد اشکال سفال‌های ساسانی میان‌کوه را دربرمی‌گیرد. تعداد زیادی از این کاسه‌ها در دره شلیل در محوطه (MK 245)، که احتمالاً محوطه‌ای یک‌جانشینی است مشاهده می‌شود. نمونه مشابه کاسه‌های عزت‌آباد (MK 245)، در تل ملیان فارس گزارش شده است (Alden, 1987, fig. 6: 24)؛ همچنین نمونه‌ای در میاناب شوشتر به دست آمده که شباهت زیادی به نمونه میان‌کوه دارد (عالی و خسروزاده، ۱۳۸۴: شکل ۶: ۷). در قصر ابونصر نیز نمونه مشابهی دیده می‌شود (Whitcomb, 1987, fig. 51: k). در رأس الخیمه نیز نمونه‌ای مشابه یافت شده که با کاسه‌های ساسانی



شکل ۷- منتخبی از سفال‌های ساسانی محوطه‌های میان کوه

جدول ۱- کاتالوگ سفال‌های شکل ۶

ردیف	مشخصات	محوطه	منابع
۱	قهوه‌ای قرمز با مغز سیاه‌رنگ، ماده چسباننده شن‌ریز و ماسه و دانه‌های ریز سفیدرنگ، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش قهوه‌ای بر سطح خارج و نقوش کنده روی نوار برجسته بر سطح خارج.	MK 169	(امیری، ۱۳۹۱: ۱۴۲).
۲	قهوه‌ای با مغز سیاه‌رنگ، ماده چسباننده شن‌ریز و ماسه و دانه‌های ریز سفیدرنگ، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش قهوه‌ای بر سطح خارج.	MK 166	عالی و خسروزاده، ۱۳۸۴: شکل ۶۵: ۱.
۳	قهوه‌ای روشن، ماده چسباننده شن‌ریز و ماسه و دانه‌های ریز سفیدرنگ، معمولی، چرخ‌ساز، بدون پوشش.	MK 81	Alden, 1987, fig. 6:18 Whitcomb, 1985, fig. 52: i
۴	قهوه‌ای قرمز روشن با مغز و درون سیاه، ماده چسباننده ماسه و دانه‌های ریز سفیدرنگ، معمولی، چرخ‌ساز، بدون پوشش.	MK 428	Azarnoush, 1994, fig. 174: p Kennet, 2004, fig. 37: k3723
۵	نارنجی قرمز، ماده چسباننده شن‌ریز و ماسه و دانه‌های ریز سفیدرنگ و گیاهی، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش نخودی کرم بر سطح خارج.	MK 169	Alden, 1987, fig. 5: 2 Whitcomb, 1987, fig. f: d
۶	سطح خارجی نارنجی قرمز، سطح داخل و مغز قهوه‌ای، ماده چسباننده ماسه و شن‌ریز، چرخ‌ساز، بدون پوشش.	MK 478	Alden, 1987, fig. 5: 9
۷	نارنجی قرمز، ماده چسباننده شن‌ریز و ماسه و دانه‌های ریز سفیدرنگ و گیاهی، معمولی، چرخ‌ساز، بدون پوشش.	MK 106	Whitcomb, 1985, fig. 22: v

جدول ۲- کاتالوگ سفال‌های شکل ۵

ردیف	مشخصات	محوطه	منابع
۱	قهوه‌ای روشن، سطح داخل خاکستری، ماده چسباننده شن ریز و گیاهی، معمولی، دست‌ساز، بدون پوشش.	MK 81	Whitcomb, 1985, fig. 18: b Azarnoush, 1994, fig. 174: h
۲	نخودی نارنجی، ماده چسباننده شن ریز و گیاهی، معمولی، چرخ‌ساز، بدون پوشش	MK 135	Riccardi, 1970, fig. f: k Azarnoush, 1994, fig. 174: k لباف خانیکی، ۱۳۸۷، شکل ۱۲: ۴.
۳	نارنجی قرمز، ماده چسباننده شن‌ریز و ماسه و دانه‌های ریز سفیدرنگ، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش نخودی کرم بر سطح خارج.	MK 166	لباف خانیکی، ۱۳۸۷، شکل ۱۹: ۶.
۴	قهوه‌ای، مغز سیاه‌رنگ، ماده چسباننده شن ریز و دانه‌های ریز سفیدرنگ و گیاهی، معمولی، چرخ‌ساز، بدون پوشش.	MK 106	Azarnoush, 1994, fig. 175: o Whitcomb, 1985, fig. 43: b
۵	قهوه‌ای قرمز با مغز سیاه‌رنگ، ماده چسباننده ماسه و دانه‌های ریز سفیدرنگ، معمولی، چرخ‌ساز، بدون پوشش	MK 466	عالی و خسروزاده، ۱۳۸۴: شکل ۷۰: ۴.
۶	نارنجی قرمز، مغز خاکستری، ماده چسباننده ماسه و شن ریز، معمولی، چرخ‌ساز، بدون پوشش.	MK 479	امیری، ۱۳۹۱: ۱۴۳: SM 29 Kennet, 2004, fig. D: cc
۷	قهوه‌ای روشن، ماده چسباننده‌ی شن ریز و ذرات ریز سفیدرنگ، چرخ‌ساز، معمولی، پوشش قهوه‌ای بر سطح داخل و خارج.	MK 129	Wenke, 1975, fig. 14: 204 Whitcomb, 1985, fig. 44: b عالی و خسروزاده، ۱۳۸۴: شکل ۶۲: ۱۰.
۸	نارنجی قرمز، ماده چسباننده شن‌ریز و ماسه و دانه‌های ریز سفیدرنگ، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش نخودی کرم بر سطح خارج و نقوش تزئین کننده به شک خطوط افقی و موج بر سطح خارج سفال.	MK 166	Azarnoush, 1994, fig. 180: x با تفاوت کمی در مقطع سفال

نتیجه‌گیری

واسطه شیب کمتر از ۱۰ درصد، قرارگرفتن در اراضی با قابلیت کشاورزی، میانگین ارتفاع ۱۵۰۰ متر، اقلیم نیمه مرطوب گرم، نزدیکی به منابع دائمی آب، دسترسی آسان به مسیرهای ارتباطی، غنی بودن خاک‌های آبرفتی، پوشش جنگلی و مراتع غنی بخش‌های پیرامونی آن، ظرفیت لازم را برای برپایی سکونتگاهی دائمی دارند. این محوطه‌ها متصل به راه‌های مال‌رو، جاده‌ها و گذرگاه‌هایی با طول متفاوت‌اند که از زاگرس و شبکه‌ای از راه‌های مربوط به مناطقی بسیار دور دست عبور می‌کند. محوطه MK 109 از محوطه‌های شاخص یک‌جانشینی دره سرخون- هلو سعد می‌باشد که بیشتر شرایط مطلوب برای زندگی یک‌جانشینی را دارد. محوطه‌های کوچ‌نشینی میان‌کوه بیشتر در ارتفاعات، پهنه‌های کوچک میان‌کوهی، و دره‌های کوچک قرار گرفته‌اند. این دره‌ها به علت شیب نسبتاً زیاد و سنگلاخی بودن بیشتر قسمت‌های آن، کوه‌های مرتفع و دره‌های کم‌عرض و در پی آن پتانسیل محدود کشاورزی و تفاوت زیست‌محیطی با دشت‌ها و جلگه‌های پیرامونی مناطق هم‌جوار، جمعیت یک‌جانشین کمتری را می‌توانسته در خود جای دهد؛ به تبع آن

بخش میان‌کوه شهرستان اردل به دلیل داشتن ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی خاص در دوره‌های مختلف مورد توجه جوامع انسانی بوده است. وجود دره‌های حاصل‌خیز، منابع غنی آب‌های سطحی و زیرزمینی شامل رودها و چشمه‌ها و ... شرایط اقلیمی و زیست محیطی مناسبی را برای تشکیل استقرارها در این مناطق از گذشته تا به امروز فراهم کرده است. در این منطقه محوطه‌هایی تا ارتفاع ۲۵۵۰ هم دیده می‌شود. از میان محوطه‌های بررسی شده محوطه MK 309 با ارتفاع ۲۵۴۴ متر بیشترین ارتفاع و محوطه MK 266 با ارتفاع ۱۱۲۲ کمترین ارتفاع را دارد. بیشتر محوطه‌های یک‌جانشینی ساسانی میان‌کوه در دره‌سرخون-هلو سعد واقع شده‌اند، و بر پشته‌ای کم ارتفاع قرار دارند. بر سطح این پشته‌ها شمار فراوانی قلو و لاشه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ دیده می‌شود که احتمالاً در ساخت و سازهای محوطه کاربرد داشته‌اند. محوطه‌هایی که در نزدیکترین فاصله از رودخانه سرخون و در دره اصلی آن یا دره‌های منتهی به سرخون قرار گرفته‌اند به

دوران تاریخی تا دوره مورد بحث به ندرت مشاهده شده است. تنها مواد فرهنگی که از محوطه‌های ساسانی شناسایی شده در میان کوه به دست آمد، «سفال» است. پراکندگی سفال در محوطه‌های یک‌جانشینی و کوچ‌نشینی با توجه به شیوه‌های مختلف گذران زندگی، متفاوت است. سفال‌های محوطه‌های کوچ‌نشینی در مقایسه با سفال‌های محوطه‌های یک‌جانشینی، بیشتر آسیب دیده‌اند. سفال‌ها به دلیل مدفون نشدن در زیر خاک، عبور مکرر دام بر روی آن‌ها دچار فرسودگی و خوردگی شده‌اند و اغلب بر روی آنها رسوبات سفیدرنگ نمک دیده می‌شود. سفال‌ها چرخ‌ساز و بیشتر پوشش گلی غلیظ به رنگ کرم و نخودی دارند. بر سطح تعدادی از سفال‌ها نیز تزییناتی به شکل شیارهای عمیق کنده شده افقی و نوارهای افقی با شیارهای افقی و تزئینات شانه‌ای دیده می‌شود. در گذشته دره‌های میان کوه، خصوصاً دره‌های منتهی به خوزستان مسیر ایل‌رو و محل گذر کوچ‌نشینان بختیاری بوده است و بخش‌های اعظم این منطقه چراگاه تابستانی این ایل و طوایف به شمار می‌رفته‌است. بیشتر راه‌های ارتباطی بین خوزستان با فلات مرکزی و شمال فارس در این دره‌ها قرار گرفته است. جاده اصلی ارتباطی خوزستان به شهرکرد نیز امروزه از میان این دره‌ها عبور می‌کند. بنابراین سفال‌های ساسانی میان کوه بیشتر تحت تأثیر خوزستان و فارس بوده است. به طور مثال (شکل ۷) در محوطه‌هایی همچون (MK 129)، (MK 106)، (MK 466)، (MK 81)، و (شکل ۶) محوطه‌های (MK 169)، (MK 144) سفال‌هایی مشابه هر دو منطقه فارس و خوزستان مشاهده می‌شود که نشان دهنده ارتباطات و تقابل فرهنگی بین این مناطق همجوار بوده است.

زمین‌های قابل کشت نیز کمتر و به صورت دیم بوده است. در برخی نقاط میان کوه دره‌های طولی فرعی با شیب زیاد دیده می‌شوند. خاک در این قسمت به واسطه‌ی شیب عمق زیادی نداشته و این دره‌ها دور از رودخانه قرار دارند، در دامنه‌های آن‌ها چشمه‌های کم‌آب دائمی به چشم می‌خورد. بر تراس‌های آن پوشش مرتعی مناسبی برای چرای دام دیده می‌شود که قطعاً مورد توجه کوچ‌نشینان این منطقه بوده است. بیشتر محوطه‌های شناسایی شده در این منطقه از نوع استقرار موقت (احتمالاً کوچ‌نشینی) است. این محوطه‌ها معمولاً مواد کم و فرسوده دارند و نهشته‌ی ضخیم باستانی ندارند و بیشتر در دره‌های تنگ قرار گرفته‌اند، بر سطح تپه‌های طبیعی کم ارتفاع یا دامنه کوه‌ها دیده می‌شوند. در کنار این محوطه‌ها چشمه‌های آب یا جریان آب دائمی دیده می‌شود. پوشش گیاهی این مناطق بسیار غنی و در نزدیکی محدوده‌هایی هستند که امروزه نیز کوچ‌نشین‌ها برای اسکان و چرای دام‌های خود از آن استفاده می‌کنند. بقایای استقرارهای کوچ‌نشینی امروزی به شکل وارگه و بقایای سنگ‌چین سیاه چادر دیده می‌شود. به ندرت محوطه‌های استقرار دائمی در این دره‌ها گزارش شده است. پهنه‌های دهدشت، دم لافره، گود لالو، پهنه تلخاب و دره‌های میان کوهی فولک، اولقنک، تل او، و زینب خاتون شرایط ویژه زندگی کوچ‌نشینی را برای عشایر میان کوه از گذشته دور تا به امروز فراهم آورده است. در بسیاری از محوطه‌ها همچون (بیدسوخته ۴. MK 144)، (دهدشت ۵. MK 466)، (آب‌گرازی. MK 135)، (وارکرسرزد. MK 144) اثر سنگ‌چین وارگه عشایری دیده می‌شود. بیشتر محوطه‌های میان کوه دو دوره استقرار (اشکانی- ساسانی) و یا (ساسانی- اسلامی) دارند و توالی استقراری به دلیل استقرارهای فصلی و موقت، از دوران پیش از تاریخ تا دوره ساسانی و یا اوایل

منابع

۱. اسماعیلی جلودار، محمداسماعیل، ۱۳۸۸، گزارش بررسی باستان‌شناختی بخش مرکزی شهرستان اردل-شهرکرد، مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، شهرکرد (منتشر نشده).
۲. امیری، مصیب، ۱۳۹۱، بررسی و مطالعه سفال دوران ساسانی و قرون اولیه اسلامی (مطالعه موردی محوطه‌های تاریخی استخر، شهرگور، بیشاپور، سرمشهد و دارابگرد)، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس، تهران (منتشر نشده).
۳. خسروزاده، علیرضا و محسن بهرامی‌نیا، ۱۳۹۱، دوره نوسنگی در غرب چهارمحال و بختیاری، محوطه‌های نوبافته بخش میان کوه، شهرستان اردل، نامه باستان‌شناسی، شماره ۳، دوره دوم: ۸۰-۶۱.

۴. خسروزاده، علیرضا، ۱۳۸۸، گزارش فصل اول بررسی باستان‌شناختی بخش میانکوه شهرستان اردل، شهرکرد، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران (منتشر نشده).
۵. خسروزاده، علیرضا، ۱۳۸۹، گزارش فصل دوم بررسی باستان‌شناختی بخش میانکوه شهرستان اردل، شهرکرد، پژوهشکده باستان‌شناسی تهران (منتشر نشده).
۶. خسروزاده، علیرضا، ۱۳۹۰، گزارش فصل سوم بررسی باستان‌شناختی بخش میانکوه شهرستان اردل، شهرکرد، پژوهشکده باستان‌شناسی تهران (منتشر نشده).
۷. زاگارل، آلن، ۱۳۸۷، باستان‌شناسی پیش از تاریخ منطقه بختیاری (ظهور شیوه زندگی در ارتفاعات)، ترجمه کوروش روستایی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران.
۸. عالی، ابوالفضل و علیرضا خسروزاده، ۱۳۸۴، توصیف، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های دوره ساسانی، بررسی‌های باستان‌شناختی میاناب شوشتر، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، صص: ۲۹۸-۲۴۹.
۹. علیزاده، عباس، ۱۳۸۴، بازتاب نقش جغرافیایی، زیست‌محیطی و اقتصادی در تحولات جنوب باختری ایران (از پیش از تاریخ تا اسلام)، اثر، ۲۱: ۴۲-۲۹.
۱۰. لباف خانیکی، میثم، ۱۳۸۷، سفال‌های ساسانی شمال‌شرق ایران، پژوهش‌های زبانی، ۵۹: ۱۷۹-۱۴۳.
۱۱. نوروزی، علی‌اصغر، ۱۳۸۸، مطالعات باستان‌شناسی در حوزه آب خیز کارون شمالی (استان چهارمحال و بختیاری)، مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱، شماره ۲: ۱۶۱-۱۷۵.
12. Alden, John. R., 1978, Excavation at Tal-I Malyan: Part I: A Sasanian Kiln, Iran, 26: 79-86.
13. Azarnoush, Masoud, 1994, The Sasanian Manor House at Hajiabad, Iran, Monografie di Mesopotamia III, Florence: Casa Editore le lettere.
14. Boucharlat, Remi and Audran Labrousse, 1979, La Plaise d'Artaxerxes II sur la vie droite du chaur a Suse, CDAFI, 10: 19- 136.
15. Kennet, Derek., 2004, Sasanian and Islamic pottery from Ras al-Khaimah: classification, chronology and analysis of trade in the Western Indian Ocean, Society for Arabian Studies Monographs, No. 1. BAR International Series, 1248.
16. Ricciardi, Venco R., 1970, Sasanian Pottery from Tell Mahuz, Mesopotamia, 5/6: 427-482.
17. Wenke, Robert J., 1975, Imperial Investment and Agricultural Development in Parthian and Sasanian Khuzestan: 150 B. C. to 640 A. D., Mesopotamia, 9-11: 31-221.
18. Whitcomb, Donald., 1984, Qasri-Abunasr, old Shiraz, in Arabie oriental, Mesopotamie et Iran meridional, de lage du au debut de la period Islamique, Boucharlat, R. and S. Jean-Francois (eds), Recherche sur les civilization momoire, 37: 41-48
19. Whitcomb, Donald., 1985, Before the Roses and nightingales: Excavation at Qasr-I Abu Nasr, Old Shiraz, New York.

immigrants are seen as tents. The pitch lots are seldom reported in these canyons. In the past, Miankooh valleys, especially valleys ending to Khuzestan, were the road for nomads and Bakhtiari tribe, and most of this zone was the summer pastureland of this tribe and its families. Most connecting roads between Khuzestan and the central plateau and north of Fars are located in these valleys. The main road connecting Khuzestan to Shahrekord also passes through these valleys. Therefore, Sassanid pottery of Miankooh was mostly influenced by Khuzestan and Fars. Because Ardal town has the same border with Khuzestan province and our knowledge of highlands of the east of Zagros in Sassanid's period is limited, the study of Sassanid's sites of this period and the cultural materials obtained from their surface are necessary.

Keywords: Miankooh, Sassanids, Chaharmahal Bakhtiari, Permanent settlement, Temporary settlement

Citation: Khosrowzadeh A. Sarikhani M. and Nikooei Z. 2016. Sassanids Site of Miankooh Town of Ardal in Chahrmahal and Bakhtiari. *Journal of Iran's Pre-Islamic Archaeological Essays*. 1(1): 61-73.

Sassanids Site of Miankooh Town of Ardal in Chahrmahal and Bakhtiari

A. Khosrowzadeh^{1*}, M. Sarikhani² and Z. Nikoei³

Abstract

Chaharmahal Bakhtiari has been an important relating bridge between the 2 cultural zones of south and southwest of Iran (i.e., Fars and Khuzestan) from past to date. Unlike other mountainous parts of the Iranian plateau, this area has been archeologically identified very slightly. Miankooh area of Ardal town has been notified by human societies in different periods of time because of having special geographic and natural characteristics. In fact, from past to date, its strategic situation, fertile valleys, the presence of rich surface and underground resources such as rivers and springs has provided the necessary conditions for settlement in this region. The existence of fertile between-mountain valleys which are well-irrigated also demonstrates this fact. Although considerable changes were seen in the number of sites in Sassanid's versus Parthians, the sites are bigger than the past ones. The location-selection pattern is fairly similar to Parthians, but the density of settlements is more in south part. Most of the settlements of this period lack Parthians' settlements. About 73 sites of this period are detected. Permeant settlement is rarely observed in these sites. And, because of high mountains and deep valleys in the town, the sites are temporary. The only obtained cultural material of these sites is pottery. Studying potteries found in this area provides researchers with some information about different cultural settlements as well as social, political, and economic structures. Most Sassanid sedentary settlement zones of Miankooh are located in Sarkhoon-Holosaad valley and on a low hill. On the surface of these hills, several stones and rocks with different sizes exist. Zones located closest to Sarkhoon River and their main valleys ending in Sarkhoon have the necessary conditions (i.e., having a slope of less than 10%, being in fertile lands, average altitude of 1500 meters, semihot and humid climate, proximity to permanent water resources, easy access to roads, rich alluvial forest cover, and rich pastures surrounding areas) to establish permanent settlements. These zones are connected to animal-passing routes, roads, and paths with different lengths which pass through Zagros Mountains and a network of roads connecting to remote areas. Miankooh 109 zone is one of the significant sedentary settlement zones of Sarkhoon-Holosaad valley which has the most favorable conditions for sedentary life. Miankooh nomadic zones are mostly located on highlands, small between-mountain lands, and small valleys. Due to their relatively high slope and having a lot of rocky parts, high mountains and narrow valleys and, therefore, limited agricultural potential and environmental difference with the surrounding plains, were able to accommodate smaller sedentary populations. Thus, there were fewer cultivable lands and they were homebred. These Sassanid settlements usually contain little and old materials, with no strong primeval hypothesis, which are usually located within the canyons. They are seen on low-natural hillocks or hillsides. The leftover pitches of modern

1- Assitant Professor, Department of Archaeology, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

2- Assitant Professor, Department of Archaeology, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

3- Master of Historic Archaeology, Department of Archaeology, Shahrekord University, Shahrekord, Iran

* Corresponding Author: Akhsrowzadeh@yahoo.com

Received: 2015/12/06

Accepted: 2016/01/31

Table of content

Paper title	Page
• Application of Symmetry in Archaeology and Culture N. Faizi and H. Vahdatinasab	1
• Greek Elements Manifestation in Sassanid Reliefs S. M. Mousavi Kohpar, S. Khorashadi, J. Naistani and S. R. Mousavi Haji	13
• Gerdi Domain, Collection of the Sistan Archaeology R. Mehr Afarin and S. R. Mousavi Haji	29
• A Comparative and Evolutionary Study on Geometric Motives on Ancient Materials and Native Arts in Mazandaran, Iran R. Abbasnejad Seresti and M. Hejazi	39
• A Study of Chalcolithic Potteries Porosity to Evaluation of Social Complexity Based on Pottery Production in Teppe Geshlagh Bijar A. Motarjem and A. Heydari	51
• Sassanids Site of Miankooh Town of Ardal in Chahrmahal and Bakhtiari A. Khosrowzadeh, M. Sarikhani and Z. Nikoei	61
• A Study and Analysis of Visual Features and Pictorial Style of the Designs on Ceramics of Kura Aras Culture (Based on YanikTepe Site) H. R. Ghorbani and L. Zanganeh	75
• Excavation Along the Persepolis Canals Outlet A. A. Asadi	87

Journal of Iran's Pre-Islamic Archaeological Essays

Bi-Seasonal

Volume 1/ Number 1/ Serial Number 1/ summer 2016

ISSN:

2476-6046 (Paper Edition)

2476-6054 (Online Edition)

Proprietor: Shahrekord University

Managing Editor: Sarikhani. M.

Editor-in-Chief: Sarikhani. M.

Editorial Board:

Fazeli Nesheli H.	Associate Professor, Tehran University
Heydarian M.	Assistant Professor, Shahrekord University
Khosrowzadeh A. R.	Professor, Shahrekord University
Mehar Afarin R.	Professor, Isfahan University of Technology
Molazadeh K.	Associate Professor, Bu Ali Sina University
Mousavi Haji S. R.	Associate Professor, Shahrekord University
Mousavi Kohpar S. M.	Professor, Tehran University
Naistani J.	Professor, Tehran University
Sarikhani M.	Professor, Tehran University
Tavasoli M. M.	Associate Professor, Sistan and Balochistan University
Zaree M. E.	Associate Professor, Bu Ali Sina University

Journal Manager: Heydarian M.

Scientific Editor: Khosrowzadeh A. R.

Editor of Persian Language: Kianpor S.

Editor of English Language: Hashemian. M.

Administrative Executor: Kianpor S.

Typesetting: Ghany F.

Publisher: Shahrekord University

Circulation: 500 Copies

The papers of Journal of Iran's Pre-Islamic Archaeological Essays is indexed by:
ISC, SID, Magiran.

Address: Journal of Iran's Pre-Islamic Archaeological Essays, Shahrekord University Press,
Shahrekord, Iran

Postal Code: 88186-34141 **P.O.Box:** 115 **Tel:** 038-32324401-7;(Ext. 2258) **Fax:** 038-32321669

Website: journals.sku.ac.ir

E-mail: iaej@journals.sku.ac.ir



JOURNAL OF IRAN'S PRE-ISLAMIC ARCHAEOLOGICAL ESSAYS

- Application of Symmetry in Archaeology and Culture** 1
N. Faizi and H. Vahdatinasab
- Greek Elements Manifestation in Sassanid Reliefs** 13
S. M. Mousavi Kohpar, S. Khorashadi, J. Naistani and S. R. Mousavi Haji
- Gerdi Domain, Collection of the Sistan Archaeology** 29
R. Mehr Afarin and S. R. Mousavi Haji
- A Comparative and Evolutionary Study on Geometric Motives on Ancient Materials and Native Arts in Mazandaran, Iran** 39
R. Abbasnejad Seresti and M. Hejazi
- A Study of Chalcolithic Potteries Porosity to Evaluation of Social Complexity Based on Pottery Production in Teppe Gheshlagh Bijar** 51
A. Motarjem and A. Heydari
- Sassanids Site of Miankooh Town of Ardal in Chahrmahal and Bakhtiari** 61
A. Khosrowzadeh, M. Sarikhani and Z. Nikoei
- A Study and Analysis of Visual Features and Pictorial Style of the Designs on Ceramics of Kura Aras Culture (Based on YanikTepe Site)** 75
H. R. Ghorbani and L. Zanganeh
- Excavation Along the Persepolis Canals Outlet** 87
A. A. Asadi